

دکتر باقرپور کاشانی



گزارش متکلم بزرگ شیعی نوبختی از ملاقات
امام عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

گزارش متکلم بزرگ شیعی، نوبختی،

از ملاقات امام عسکری علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام

یک شخصیت بزرگی را می‌آورد به اسم نوبختی؛ ایشان فیلسوف بوده و متکلم، دانشمند بزرگ قرن سوم بوده.

ایشان حضرت را رؤیت می‌کند، یعنی وقتی که حضرت عسکری علیه السلام به همان بیماری شهادت در آن حالت بوده، ملاقات حضرت که می‌آید می‌کند، یک دفعه آقا زاده می‌بیند آمد؛ بعد این‌ها را جناب نوبختی گزارش داده که من دیدم چه اتفاقاتی افتاد و موثقین این‌ها را نقل کردند.

می‌گوید یکی از متفکران و متکلمان بزرگ شیعه در قرن سوم، که او را در شمار فلاسفه شیعه ثبت کردند، ابوسهل اسماعیل نوبختی‌ست که در سال‌های (۲۰۷ تا ۳۱۱) می‌زیسته.

ابوسهل نوبختی از دانشمندان بزرگ شیعه بوده و در علوم بسیاری تبحر داشته و شاگردان چندی تربیت کرده. من نگاه کردم، تألیف هم داشته؛ بیش از سی کتاب تألیف داشته ایشان در زمانش.

گفته‌اند او در فلسفه و کلام، مکتب و روش خاصی داشت که مدت‌ها پابرجا بود و زمانی دراز، افکار این فیلسوف در مجامع علمی بررسی می‌شد. گروهی از دانشمندان از مکتب او استفاده کردند و پس از او در رأس نهضت فکری قرن چهاردهم هجری قرار گرفتند. همچنین شاعر معروف، ابوعباده بحتری، در ثنای همین نوبختی چکامه‌هایی چند سروده، اشعاری سروده.

از ابوسهل نوبختی بیش از سی تألیف در رشته‌هایی چند از علوم عقلی، کلامی و تحقیقی به‌جای مانده است.

این عالم فیلسوف و متفکر بزرگ، از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه‌السلام بوده و هم‌اوست که در بیماری حضرت عسکری علیه‌السلام به عیادت آن امام رفته، و مهدی علیه‌السلام در حضور پدر بوده و دیده؛ یعنی مهدی را در حضور پدر دیده.

این آدرسش در سفینه‌البحار محدث قمی، جلد اول، صفحه ۶۷۶ است. ابوسهل شرح این دیدار را به تفصیل نقل می‌کند؛ از جمله می‌گوید در آن حال بیماری، امام حسن عسکری علیه‌السلام خواست تا آن کودک را نزد او آورند.

مهدی را، که در آن هنگام کودک بود، نزد پدر آوردند؛ او به پدر سلام کرد. من به او نگریستم؛ رنگی سفید و درخشان داشت، موهایش پیچیده و مُجَعَّد بود. مجعد یعنی صاف نیست، پیچ‌درپیچ بوده. اون شعری هست که می‌گوید:

«سلسله‌جنبان عشق، سلسله موی توست؛

عالمِ ایجاد را، علّت غایی تویی».

در مورد حضرت مهدی علیه‌السلام می‌گویند... و دندان‌هایش گشاده بود. امام حسن عسکری علیه‌السلام او را با جمله «یا سَيِّدَ أَهْلِ بَيْتِی»، ای آقای اهل بیت من، خطاب قرار داد؛ یعنی ای سرور خاندان خود. و سپس از فرزند خواست تا در خوردن دارویی که برایش جوشانیده بودند به او کمک کند؛ یعنی امام حسن عسکری از حضرت مهدی خواستند که این دارو را کمک بکنند بخورند، و او چنین کرد و سپس پدر را وضو داد. یعنی ضعف، اون اثرات سم به بدن حضرت جوری بود که نمی‌توانستند خودشان به‌تنهایی وضو بگیرند؛ کمک کرد و پدر را وضو داد. آن‌گاه امام حسن عسکری علیه‌السلام به او فرمود: «ای پسرک من! تویی مهدی و تویی حجت خدا بر روی زمین...»

این حدیث طولانی‌ست؛ یک قسمت مهمش که ایشان آورده، همین است.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir